

به انتخاب سردبیر

گفتی مگر من کیستم؟؟؟
گفتم : تو دنیای منی
گفتی بجز این چیستم؟؟؟
گفتم : تو رویای منی
گفتی به امیدم نباش من یک شب دل خسته ام
گفتم : نمیدانی مگر...امید فردای منی
گفتی دل من زخمی این روزهای شب زده است
گفتم : تو اما مرحم این قلب تنهاای منی
گفتی چه میخواهی تو از این ساحل ویران شده؟؟؟؟
گفتم : هنوزم در غزل آبی دریاای منی
گفتی هنوزم شاعری بارانی و لبریز و سبز؟؟؟
گفتم : دچار و شاعرم زیرا تو زیباای منی
گفتی چه فرقی میکند باشم کنارت یا که نه؟؟؟
گفتم : نمیدانی مگر امروز و فرداای منی
گفتی که مجنون میشوی از بودندت با من بروووو
گفتم : که مجنون بوده ام از وقتی لیلاای منی

مدیر مسئول و سردبیر

علیرضا سزاوار

اسم صفحه: دور خراسان در چند ورق

تیترا: معماری نادر

الهه آرانیان

عکاس: کمال خجندی

تاریخ و معماری و هنر را یک جا خواهی یافت در کاخ خورشید؛ بنایی که قرار بود آرامگاه نادرشاه افشار باشد، اما قرار اجل این نبود. کلات به معنی «آبادی و زیستگاه بر بالای کوه» است و هویت این منطقه با نام نادر گره خورده است.

کاخ خورشید، مهم‌ترین یادگار نادر است که در میان باغی بزرگ ساخته شده است و ساختمانش ترکیبی از معماری ایران و هند است؛ چرا که نادر هم سیم و زر فراوانی از هند به ایران آورد و هم هنرمندان فراوانی را.

این بنا در سال ۱۱۶۰ هجری قمری به فرمان نادرشاه در سه طبقه ساخته شد از جمله زیرزمین، طبقه همکف که دارای تالاری بزرگ و اتاق‌هایی در اطراف است و گنبد استوانه‌ای که از ۶۶ نیم‌ستون سنگی تشکیل شده و از این لحاظ در بناهای تاریخی ایران بی‌نظیر است.

تالار کاخ خورشید به سبک بناهای دوره صفویه طاکاری شده است و از کنار گنبد بنا می‌توان باغ زیبای اطراف قصر و نمای شهر کلات را دید.

در سفرتان به مشهد، دیدن جاذبه زیبا و پر پیچ و خم کلات نادری و تماشای جاذبه‌های تاریخی و طبیعی این شهرستان را از دست ندهید؛ چرا که کلات نادری برگی از تاریخ و معماری سرزمین ماست.

اسم صفحه: در حریم حرم

تیترا: خانه ارادت‌های دیرین (۲)

در شمارهٔ پیشین که به شرح یادگارهای بر جای مانده در موزهٔ آستان قدس رضوی اختصاص داشت، به طور مختصر ضمن ذکر تاریخچهٔ موزه، از گنجینه‌های چهار ساختمان کنونی آن یاد شد. گفتیم اگر کاشی کاری‌ها و یادگارهای حرم حضرت رضا(ع) به قرن شش هجری باز می‌گردد، اشیایی هم در موزه هست که به هزاره‌های پیشین تعلق دارد. چهار ساختمان موزه عبارتند از مرکزی، فرش، قرآن و نفایس (هر سه در صحن کوثر حرم رضوی) و موزهٔ مردم شناسی در حمام مهدی قلی بیگ. ساختمان جدید موزه که آخرین گسترش خود را در سال ۹۲ داشته، حالا ۱۴ گنجینه دارد. گنجینه‌های موجود در ساختمان مرکزی موزه عبارتند از: گنجینهٔ حرم رضوی، گنجینهٔ تمبر و اسکناس، گنجینهٔ سکه، گنجینهٔ مدال، گنجینهٔ ظروف، گنجینهٔ نجوم و ساعت، گنجینهٔ سلاح‌های سرد و گرم، گنجینهٔ هنرهای تجسمی و گنجینهٔ صدف و حلزون‌های دریایی.

گنجینهٔ تمبر

گنجینهٔ تمبر و تاریخچهٔ پستی دومین بخش تخصصی موزه‌های آستان قدس رضوی بود که در بهمن ماه سال ۱۳۶۹ افتتاح شد. تمبرها و دیگر اقلام پستی آن یکی از گنجینه‌های شناخته شدهٔ ایران هستند، اما ویژگی خاص آن‌ها این است که در این جا همهٔ اشیا اهدایی هستند و این هدایا آن قدر زیاد بوده که همه را نمی‌توانسته‌اند به دید عموم بگذارند. در فضای نمایشی ۳۰۰ متری، صدها هزار قطعه تمبر و دیگر اقلام پستی از دورهٔ قاجار تا دوران معاصر و از سرار جهان موجود است. تمبرها و دیگر آثار مربوط به تاریخچهٔ پست، همچنین مدال‌هایی از نمایشگاه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی پست نیز که توسط چند خیر به آستان قدس اهدا شده، در این بخش است. برخی از نفیس‌ترین آثار از این قرارند:

- نخستین تمبرها با تصویر ناصرالدین شاه و دیگر شاهان قاجار با نماد شیر و خورشید سری آلبرت بار (۱۲۴۵.خ). ناصرالدین شاه پس از سفر به پاریس، سفارش ساخت کلیشه‌هایی با طرح ظریف شرقی و اعداد فارسی به آلبرت بار داد، اما بنا به دلایلی مورد استفاده قرار نگرفت.
- تمبرهای غیر رسمی منتشر شده توسط انقلابیون و عوامل مخالف دولت در دورهٔ قاجار، شامل تمبرهای لار، تمبرهای موقتی مشهد معروف به تمبرهای «ویکتور کاستین» (مستشاری بلژیکی که در دوران مظفرالدین شاه به مشهد

- آمد و در سال ۱۲۸۱ به بهانه نبود تمبر، خود اقدام به چاپ تمبر کرد و البته به همین سبب معزول شد) و تمبرهای پست انقلابی ایران در گیلان معروف به تمبرهای میرزا کوچک خان جنگلی (۱۲۹۹.خ با تصویری از کاوه آهنگر).
- مجموعه تاریخچه پستی ایران شامل پاکت نامه‌های بدون تمبر و تمبردار دوره‌های قاجار و پهلوی، پاکت نامه‌های سانسور شده، ورقه‌های پستی یا کارت پستال (کارت پستال پرسانا ۱۲۵۷.خ نخستین کارت‌های پستی ایرانی هستند)، پاکت‌های مهر روز، تلگراف و
 - نخستین تمبر پستی جهان معروف به «پنی سیاه» (۱۸۴۰.م)، نیمرخ ملکه ویکتوریا است با پس زمینه سیاه و قیمت یک پنی. به همین دلیل به پنی سیاه معروف شده است. نکته حائز اهمیت در تمبرهای انگلیس این است که چون اولین تمبرهای جهان هستند، بدون درج نام کشور چاپ می‌شوند؛ امتیازی که به این کشور تعلق دارد.
 - نخستین پاکت پستی جهان موسوم به یک پنی مالردی که در سال ۱۸۴۰.م در انگلستان تولید شد.

گنجینه اسکناس

گنجینه اسکناس از آن گنجینه‌هایی است که همه دوست دارند داشته باشند! این بخش همزمان با گنجینه تمبر افتتاح شد و از میان ده‌ها هزار قطعه اسکناس تاریخی اهدایی، گزینشی انجام شد تا این بخش از موزه شکل بگیرد. از دیگر اقدامات انجام شده می‌توان به تفکیک علمی و تهیه بروشورهای معرفی و... اشاره کرد.

برترین‌های این مجموعه عبارتند از:

- اسکناس یک تومانی دوره قاجار از سری دوم اسکناس‌های چاپ شده در ایران است که فقط در یزد اعتبار داشته و این مسأله را در سربرگ اسکناس عنوان کرده‌اند.
- اسکناس‌های سورشارژ شده آلمانی در زمان جنگ جهانی اول (۱۲۹۸.ش) که برای کمک به انقلابیون ایرانی فرستاده شده است.
- اسکناس ۱۰۰۰ ریالی بانک ملی ایران که در دوره پهلوی اول چاپ شد.
- اسکناس ۱۰ میلیارد دلاری زیمباوه که در سال ۲۰۰۸ توسط بانک مرکزی آن کشور منتشر شد و ارزش آن دو و نیم دلار است.
- اسکناس ۵۰ تومانی فرقه دموکرات آذربایجان در دوره بعد از جنگ جهانی دوم که به رهبری سید جعفر پیشه‌وری اعلام استقلال کرد.

- اسکناس ده هزار ریالی بانک مرکزی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی، تصویر شاه را با عکسی از حرم رضوی جایگزین کردند.

- نخستین اسکناس یک صد هزار ریالی جمهوری اسلامی با سریال ۱/۱ ۰۰۰۰۰۰ در سال ۱۳۸۹.

گنجینه سکه

پس از افتتاح بخش تاریخ مشهد (تاریخ حرم رضوی) در سال ۱۳۷۸، مجموعه‌ای از سکه‌های مربوط به دوران پیش و پس از اسلام و نیز مدال‌های اهدایی شخصیت‌هایی چون جهان پهلوان تختی به نمایش گذاشته شد، اما سال بعد ضرورت تفکیک این دو بخش سبب شد که مجموعه سکه‌ها به گنجینه تبر، تاریخچه پستی و اسکناس منتقل شود و در فضایی وسیع‌تر به نمایش گذاشته شود. تقریباً تمامی سکه‌ها اهدایی هستند. همچنین در کنار نمایش سکه‌ها، اطلاعات و مشاوره‌های علمی هم به پژوهشگران و علاقه‌مندان ارائه می‌شود. از برترین نمونه‌های سکه موزه می‌توان به این‌ها اشاره کرد:

- سکه‌های نقره هخامنشیان که اولین سکه‌های ضرب شده در ایران هستند و متعلق به دوران داریوش

اول (حدود ۵۰۰ ق.م).

- تترادرآخم نقره اسکندر کبیر (حدود ۳۳۰ ق.م)

- درآخم نقره فرهاد پنجم اشکانی (۲۰۰ سال پیش)

- سکه نقره نیم ابل پیروز، هفدهمین پادشاه ساسانی (حدود ۴۴۰ م)

- درآخم نقره شیرویه، پسر خسرو پرویز

از نمونه‌های پس از اسلام نیز می‌توان این موارد را نام برد:

- درهم‌های نقره دوران ولایت عهدی امام رضا(ع) که در شهرهای مختلف قلمروی عباسیان ضرب شده‌اند.

- سکه‌هایی مربوط به سلطان محمد خدابنده (قرن ۸ هجری)، زمانی که مذهب شیعه دوازده امامی را

برگزید.

- سکه طلای مردآویج بن آل زیار (قرن ۴ هجری)، حاکم بخش‌های شمالی ایران.

- درهم نقره علی بن بویه (قرن ۴ هجری) که در شیراز ضرب شده است.

- سگه مفتولی (لاری) مربوط به زمان شاه طهماسب صفوی. این نوع سگه‌ها لوله شده هستند شبیه به سنجاق سر و چون اولین بار در لار ضرب شده‌اند، به لاری مشهور شدند.

گنجینه مدال

گنجینه مدال در اوایل پیروزی انقلاب با مدال‌های اهدایی مرحوم غلامرضا تختی در طبقه همکف موزه مرکزی شکل گرفت، اما با اهدای مدال‌های دیگر توسط ورزشکاران و نخبگان علمی و دلایلی که برای گنجینه سگه‌ها گفته شد، توسعه این بخش ضرورت بیشتری یافت. در سال ۱۳۷۸ چیدمان تغییر یافت و گنجینه کاملاً تخصصی شد. استقبال در اهدای مدال‌ها به حدی بود که گنجینه تخصصی مدال در سال ۱۳۹۲ و در طبقه دوم موزه مرکزی با مساحتی در حدود ۲۴۵ متر در معرض دید بازدیدکنندگان قرار گرفت. از شاخص‌ترین مدال‌های اهدایی می‌توان به این موارد اشاره کرد: مدال‌های مرحوم جهان پهلوان تختی و پهلوان سوخته سرایی، توپ طلای بهترین بازیکن فوتبال آسیا ۱۹۹۶م، مدال‌های المپیادهای علمی در رشته‌های گوناگون و....

اسم صفحه: قدیم ندیم‌ها

تیترا: گرمای کرسی، خواب آورده

حسن احمدی فرد

تصویرگر: علیرضا باقری

ننه، توی آشپزخونه ست. از توی آشپزخونه بوی تخمه تف داده می‌یاد. دلم می‌خواد بدوم و یک مشت تخمه داغ از توی قابلمه بردارم. حتماً ننه با کفگیر می‌زنه پشت دستم، اما باز می‌ارزه. تخمه‌های خربزه، مٹ خود خربزه‌ها خوشمزه‌ن. می‌تونم تخمه‌ها رو بریزم توی جیبم و فردا سر کلاس، تا آقا معلّم نیومده، یکی یکی بشکنم، اما تمرین‌ها موندن. باید تا شب نشده، همه تمرین‌ها رو حل کنم.

هوا سرده. ننه در و پنجره‌ها رو بسته. درخت توی باغچه، همه برگاش ریخته. حالا قمری‌ها، هر جای درخت که نشسته باشن، دیده می‌شن. برگا افتادن روی آب حوض. آب حوض حتماً سردِ سرده، حتی وقتی ظهر آفتاب می‌افته روی حوض.

ننه رد می‌شه و می‌ره توی حیاط. دلم می‌خواد ژاکتم رو پوشم و برم توی حیاط، اما تمرین‌ها مونده. فردا حتماً معلّم ریاضی تمرین‌ها رو نگاه می‌کنه.

صدای ننه از توی زیر زمین می‌یاد:

- نون دیر نشه.

غم می‌افته به دلم. شروع می‌کنم به حل کردن تمرین‌ها که تمومی ندارن. مٹ صف نونوایی که هر چقدر هم از جلوی صف نون بگیرن، باز هم یه عالمه آدم دیگه توی صف هستن.

از توی زیر زمین سر و صدا می‌یاد. ننه داره چیزی رو از زیر خرت و پرت‌ها در می‌یاره. آق داداش رد می‌شه که بره توی حیاط. می‌زنه به دستم که:

- پاشو برو کمک ننه.

سرم رو می‌برم توی دفترم، یعنی تمرین دارم. صدای قمری‌ها از روی شاخه‌های درخت می‌یاد و باد برگای روی حوض رو تکون می‌ده. انگار همه با هم می‌خوان نذارن تمرینام رو حل کنم. یاد آقا معلّم می‌افتم و خط کش دستش. تمرین‌ها رو تند تند حل می‌کنم و تموم می‌کنم.

ننه و آق داداش هنوز توی زیرزمین و خرت و پرت‌ها رو جابه‌جا می‌کنن. ژاکتم رو می‌پوشم. پولارو بر می‌دارم و می‌زنم بیرون. هوا داره تاریک می‌شه. باد، سوز سرما رو از لای ژاکت، فرو می‌کنه توی تنم. می‌دوم سمت نونوایی.

نونوایی شلوغ. مٲ یه صفحه پر از تمرین. می خزم توی صف و آدم‌ها رو می‌شمرم. بوی نون داغ، توی هوای سرد موج می‌خوره.

نوبتم که می‌شه، پولم رو می‌دم و زل می‌زنم به تنورهای پر از آتیش. خوش به حال نونواها که جاشون همیشه گرمه. نونوا نونای داغ رو می‌ندازه توی بغلم. می‌دوم سمت خونه. در بازه و کسی توی حیاط نیست. قمری‌ها روی شاخه درخت، توی تاریکی خزیده‌ن کنار هم. کنار هم بودن، چقدر خوبه. برگا هنوز روی آبای حوض، موج می‌خورن. یعنی برگا از آب سرد حوض، سرما سرماشون نمی‌شه؟

می‌دوم توی اتاق. ننه لحافو می‌کشه روی کرسی و می‌ره سمت سماور.

نونا رو می‌دم به ننه و می‌خزم زیر کرسی؛ زیر کرسی گرمه. خودمو می‌کشم کنج دیوار؛ سرمو می‌ذارم روی پشتی و لحاف رو می‌کشم روی شونه‌هام. خوابم می‌گیره. آق داداش با یه هندونه گنده می‌یاد تو و داد می‌زنه:

- پاشو، اون جای منه.

هندونه رو می‌ده به ننه و می‌گه:

- اینم هندونه شب چله.

اسم صفحه: باز بازار

تیترا: گشتی در بازارهای قلمروی پادشاهان ماد

فاطمه زینلی

ایلام استانی مرزی در غرب کشورمان است که به خاطر داشتن زیبایی‌های طبیعی فراوان به عنوان «عروس زاگرس» یا سرزمین رنگ‌ها نام گرفته است. در این استان بیشتر فعالیت اقتصادی بر روی دامداری و کشاورزی متمرکز شده است و زمینه‌های مساعدی نیز جهت پرورش زنبور عسل دارد. این استان بر پایه جدیدترین داده‌های آماری، ۶۰۰ هزار نفر جمعیت دارد که از این حیث کم جمعیت‌ترین استان کشور است و البته جزء رتبه‌های نخست کشوری به لحاظ امنیت نیز به شمار می‌رود.

بازارهای ایلام

با اینکه شهر ایلام بازار سنتی ندارد و نمایشگاه دائمی ایلام هم هنوز به بهره برداری نرسیده است، اما می‌توان برای خرید به دستفروشان منصف در شهر از جمله خیابان طالقانی ایلام مراجعه کرد. البته مجتمع تجاری - تفریحی «آفتاب» در بلوار آزادی ایلام نیز در این چند سال مکان مناسبی برای گردشگران بوده است. این مرکز خرید با داشتن واحدهای تجاری متنوع، خرید سوغاتی را آسان کرده است.

بازارچه مرزی مهران

بعد از شهر ایلام، مهران، نگین سبز ایران نیز می‌تواند گزینه مناسبی برای بازدید و خرید باشد. بازارچه مرزی مهران اکنون یکی از پررونق‌ترین بازارچه‌های کشور است و این استقبال گسترده سبب شده تا هیأت دولت در مصوبه‌ای، ساخت دومین بازارچه را نیز در این استان و در شهرستان دهلران به تصویب برساند.

ایلام، استان سوغاتی‌هایی مختلف و متنوع است از جمله بژی برساق، گلیم نقش برجسته و چیخ. در انتها پیشنهاد می‌کنیم از موزه مردم‌شناسی ایلام، واقع در قلعه والی هم که در بخش شمالی خیابان پاسداران این شهر بنا شده است،

دیدن کنید و در رستوران و سفره خانه های شهر سفارش ترخینه بدهید که در فصل سرما بس دلچسب و مقوی است.

اسم صفحه: پز تیترا: آو گوشت

غذاهای محلی هر منطقه نشانی از فرهنگ و رسوم و حال و هوای مردمان آن دارد. استان ایلام، یکی از مناطق مرزی و کردنشین ایران زیباست و غذاهای محلی فراوانی دارد از جمله ترخینه، گوجه پونه، کپه و... که از بین این غذاها «آبگوشت بامیه» یا «آو گوشت بامیه» را به شما معرفی می کنیم.

مواد لازم:

گوشت گوسفند: ۴۰۰ گرم
پیاز خرد شده: ۲ عدد متوسط
بامیه: ۴۰۰ گرم
گوجه فرنگی رنده شده: ۳ عدد
نمک، فلفل، ادویه و زردچوبه: به میزان لازم
رب گوجه فرنگی: ۲ قاشق غذا خوری

طرز تهیه:

ابتدا پیاز و گوشت را با هم تفت می دهیم و کمی زردچوبه به آن اضافه می کنیم و سپس آب را اضافه می کنیم تا گوشت بپزد. بعد از نیم پز شدن گوشت، گوجه های رنده شده را به همراه بامیه ها و نمک، فلفل، ادویه و رب به گوشت اضافه می کنیم تا کاملاً بپزد. نوش جان.

دو نکته:

- ۱- آبگوشت بامیه باید تا جایی بپزد که آب خود را از دست ندهد و آبدار باشد.
- ۲- میزان فلفل را با توجه به ذائقه‌تان تنظیم کنید.

اسم صفحه: گاه گاه زیارت گاه

تیترا: زیارت بهشتی

شیرین خسروی

ایران رنگارنگ ما فقط کویر و خشکی ندارد. هرچند کویر هم زیبایی‌های خود را دارد. در میان کوه‌ها و درّه‌های سرسبز ایلام، مقبره‌ای است که می‌گویند آرامگاه ابدی برادرزاده امام رضا (ع) است. در اخبار چنین آمده که او برای یاری عموی خود عازم خراسان شده بود، اما در راه توسط مأمون، خلیفه عباسی به شهادت رسید یا به تعبیری رضایت اقامت همیشگی در طبیعت بکر ایلام را گرفت.

بیاید با هم گشتی در اطراف مقبره او بزنیم. درّه شهر از شهرستان‌های شرقی استان ایلام و همسایه استان لرستان است. بر روی رودخانه خروشان سیمره در عهد ساسانی پل گاومیشان را زده‌اند. پل دختر اگر چه در لرستان است، اما خیلی از آرامگاه دور نیست. شرق آن را که بگیری، به پل می‌رسی. از جنوب به دامنه کبیر کوه و تنگ بهرام چوبین راهی هست. سیمره را که گفتم، در شمال بقعه است، اما بقعه در پانزده کیلومتری درّه شهر و در دهستان ارمو قرار دارد. این دهستان سرسبز قلعه و آبشاری زیبا دارد و یک امام زاده دیگر به نام امام زاده زید بن حمزه.

داریم به برادرزاده امام رضا (ع) نزدیک می‌شویم. آرامگاه بابا سیف الدین در دامنه‌ای موسوم به «چهار طاق» قرار دارد. در حوالی آن گورستانی قدیمی مربوط به اوایل دوره اسلامی وجود دارد. نمی‌دانم اوّل گنبد قیفی شکل آن توجّه‌تان را جلب می‌کند یا درختان چند صد ساله چنار. این درختان تناور در آن دامنه سرسبز خودنمایی می‌کنند و شکوه فضا را چند برابر. اگر از این‌ها بگذریم، دیگر حتماً گنبد غریب و تقریباً استثنایی تنها چیزی است که چشم‌ها

را خیره می‌کند. این گنبد که ارتفاعش از زمین ۷ متری می‌شود، بر روی مقبره‌ای قدیمی و مربع شکل با ابعاد پنج و نیم متر قرار دارد. جنس بنا از سنگ، گچ و آجر است. حتی ورودی را هم با گچ سفیدکاری کرده‌اند.

داخل که شوید، دو قبر می‌بینید که سنگ نوشته‌ای ندارند. سید سیف الدین محمد ابن ابراهیم ملقب به بابا سیف الدین در این مکان خفته است. شجره نامه او به زبان عربی موجود است و از زبان آیت ا... بروجردی نقل شده است که: «سید سیف الدین محمد علیه السلام، فرزند امام زاده ابراهیم ایا جوایی (ع)، فرزند امام موسی کاظم (ع) هستند». او را از برکات کبیرکوه دانسته‌اند. زیارتی این چنینی در دامن طبیعت بکر ایلام این فکر را به ذهن می‌آورد که بابا سیف الدین چقدر آدم خوبی بوده که در این مکان بهشتی به خواب ابدی رفته است.

اسم صفحه: سوغات خانه

تیترو: سوغات سرزمین هزار رنگ

الف. آرا

عکس: منوچهر تتری

ایلام سرزمینی است رو به تاریخ هزاران ساله کشورمان؛ استانی با فرهنگ، تاریخ، پوشش و رسوم دیرینه. ایلام در غرب رشته کوه زاگرس قرار گرفته و از شرق با لرستان، از جنوب با خوزستان، از شمال با کرمانشاه و از غرب با کشور عراق همسایه است.

سوغاتی‌های استان ایلام فراوان و متنوعند؛ از انواع شیرینی گرفته تا انواع صنایع دستی که هنر زنان و دختران ایلامی را به رخ می‌کشند.

دهنتان را شیرین کنید

از شیرینی‌های معروف و محلی ایلام، «بژی برساق» است. این شیرینی با آرد، رازیانه، زیره، تخم مرغ و روغن محلی تهیه می‌شود و شما نمونه آن را در هیچ جا پیدا نخواهید کرد جز در ایلام. شیرینی کله کنجی و شیرینی کاک حلوائ بگل (ترکیبی از پودر کشک و خرما و روغن محلی) را هم به سوغاتی‌های شیرین ایلام اضافه کنید.

روغن محلی و عسل کوهی و ناب مناطق سورگه و شلم، دو سوغات دیگر ایلام هستند که کیفیت فوق العاده‌ای دارند و توصیه می‌کنیم در سفر به این استان، فرصت خرید آن‌ها را از دست ندهید.

نقش و طرحی از سر ذوق

زندگی مردمان ایلام با هنر و زیبایی پیوند خورده است و نمونه‌های این پیوند را می‌توان در صنایع دستی این استان مشاهده کرد. نقش و نگارهای فرش کرک و ابریشم و گلیم‌های نقش برجسته ایلام با الهام از طبیعت، تاریخ و فرهنگ این منطقه بافته می‌شوند. فرش دستباف و گلیم نقش برجسته از مهم‌ترین سوغاتی‌های استان ایلام به شمار می‌روند.

از دیگر صنایع دستی دیگر استان می‌توان به جاجیم بافی، نمد مالی، گیوه بافی، فرنجی مالی، قتره بافی و صنایع چوبی اشاره کرد که همگی کار دست زنان و مردان هنرمند ایلامی است.

ایلام سرزمین هزار رنگ و گنج‌های پنهان است و سفر به آن، سفر به عمق تاریخ و فرهنگ هزاران ساله ایران. سفرتان همراه با سوغاتی‌های شیرین و خاطره‌انگیز.

اسم صفحه: دور دنیا در چند ورق

روتیتر: نگاهی به جاذبه‌های گردشگری آرژانتین

تیتر: ماجراجویی در جنوبی‌ترین نقطه

مجتبی نخعی راد

مقدمه: اگر فکر می‌کنید آرژانتین در «مارادونا» و «مسی» خلاصه می‌شود، پیشنهاد می‌کنیم با ما همراه باشید تا ببینید با وجود آبشارهای رؤیایی و مناظر شگفت‌انگیز، فراوانی حیات وحش، شهرهای مملو از غذاهای عالی و فرهنگ سرزنده، دشت‌های غنی و جنگل‌های انبوه، کوه‌های باشکوه، جلگه‌های وسیع و یخچال‌های طبیعی چشمگیر، این سرزمین با حدود ۶ میلیون گردشگر در سال جذاب‌ترین کشور آمریکای جنوبی و پس از مکزیک، دومین مقصد گردشگران در آمریکای لاتین محسوب می‌شود.

(عکس ۱)

مردمان این سرزمین

از نظر وسعت پس از برزیل دومین کشور آمریکای جنوبی و از نظر اقتصاد سومین کشور منطقه است. ۹۷ درصد از جمعیت ۴۱ میلیونی آرژانتین، مهاجران ایتالیایی و اسپانیایی هستند که به زبان اسپانیایی صحبت می‌کنند. بهتر است در سفر به این کشور روی انگلیسی صحبت کردن حساب باز نکنید و تا می‌توانید پانتومیم و نقاشی تمرین کنید! به این دلیل به این کشور آرژانتین می‌گویند که مهاجران اعتقاد داشتند کوه‌های نقره در آن وجود دارد! بنابراین نام به معنای نقره گرفته شده است. Argentum این کشور نیز از واژه لاتین

آرژانتینی‌ها عمدتاً مذهبی و کاتولیک هستند و «پاپ فرانسیس اوّل» رهبر کنونی کاتولیک‌های جهان نیز آرژانتینی است؛ خوش خوراک هستند و در اکثر غذاهایشان گوشت نقش مهمّی دارد مانند پیراشکی گوشت، لوکرو (ترکیبی از ذرّت، لوبیا، گوشت، کالباس، پیاز و کدو قلیانی)، چوریزو (کالباس ادویه‌دار با پایه گوشت) و آسادو (کباب آرژانتینی). بنابراین بی دلیل نیست که این کشور از عمده‌ترین تولید کنندگان گوشت قرمز دنیاست و بزرگ‌ترین مصرف کننده گوشت قرمز نیز هست!

از دیگر تولیدات این کشور در بخش کشاورزی گندم و غلّات، سویا، ذرّت و فراورده‌های لبنی است. در بخش صنعت هم کاغذ، فولاد، سیمان و مواد شیمیایی از صادرات مهمّ این کشور محسوب می‌شوند.

(عکس ۲)

بار سفر ببندید

آب و هوای آرژانتین مثل کشور خودمان چهار فصل است. از گرمای استوایی گرفته تا هوای سرد و قطبی! قسمت‌های شمالی، تابستان‌های گرم و مرطوب و زمستان‌های ملایم و خشک‌تری دارند. مرکز این کشور تابستان‌های داغ با بزرگ‌ترین تگرگ‌های دنیا و زمستان‌هایی سرد دارد. قسمت‌های جنوبی تابستان‌هایی گرم و زمستان‌هایی سخت و پر بارش دارند. بنابراین زمان مناسب برای سفر از شهریور تا آبان یا طی ماه‌های اسفند تا اردیبهشت است که گرمای هوا زیاد نیست.

مدارکی که برای ویزا باید ارائه کنید، مانند سایر کشورهاست و شامل مدارک هویتی، شغلی و مالی می‌شود. تورهای مختلفی هم از ایران برای دیدن همزمان آرژانتین و برزیل وجود دارد که با ایرلاین‌های اماراتی و قطری حدود ۱۸ ساعت پرواز دارید و کلّ هزینه تور هم حدود ۱۸ میلیون تومان است! اختلاف زمانی ۶٫۵ ساعته با تهران را هم در نظر داشته باشید. برای اسکان، هتل‌های لوکس متعددی در بوئنس آیرس وجود دارند که هر چه به سمت حومه می‌روید، جایشان را به مسافرخانه‌ها و هتل‌های ساده‌تر می‌دهند.

(عکس ۳)

بوينس آیرس؛ پاریس امریکای جنوبی

با جمعیت ۱۳ میلیونی، پایتخت و بزرگ‌ترین شهر آرژانتین است و شاهراه اقتصادی، صنعتی، بازرگانی و فرهنگی آن محسوب می‌شود. همچنین یکی از ثروتمندترین شهرهای امریکای جنوبی با بزرگ‌ترین شبکه متروست. این بندر در سواحل غربی رودخانه بسیار عریض «ریو دلا پلاته» قرار گرفته است؛ رودخانه‌ای آن‌قدر بزرگ که گردشگرانی که ابتدا وارد این شهر می‌شوند، آن را با دریا اشتباه می‌گیرند!

واژه بوینس آیرس در زبان اسپانیایی به معنای بادهای آرام است. سبک زندگی اروپایی و معماری خاص اروپایی آن به سبک پاریس، این شهر را از دیگر شهرهای امریکای لاتین جدا می‌کند. نویسندگان آرژانتینی مشهوری مانند لئوپولدو لوگونز، خورخه لوئیس بورخس، پاول گروساک در این شهر زندگی کرده‌اند. ستون هر می بوینس آیرس با ارتفاعی حدود ۶۸ متر سمبل ملی شهر و مردم آن است.

(عکس ۴)

کاخ صورتی و میدان بزرگ

«کاسا روسادا» یا کاخ صورتی که در سال ۱۸۸۲ ساخته شده، محل اقامت رییس جمهور آرژانتین در انتهای شرقی «پلازا دی مایو» یا میدان بزرگ است. کاخ مملو از گنجینه‌های ملی شامل اتاق مجسمه‌های نیم تنه مرمری رؤسای جمهور گذشته، پلکان ایتالیا و موزه کاسا روسادا است. میدان بزرگ که از سال ۱۵۸۰ پایه‌های شهر در آن بنا شد، توسط ساختمان‌های سیاسی مهم آرژانتین احاطه شده است.

(عکس ۵)

کولون

سالن تئاتر کولون که در سال ۱۹۰۸ ساخته شده، بزرگ‌ترین سالن اپرای امریکای جنوبی با ظرفیت بیش از ۲۰۰۰ نفر است و فعالیت‌های موسیقی گسترده و سبک معماری ایتالیایی آن گردشگران زیادی را به خود جذب می‌کند.

(عکس ۶)

زیباترین کتاب‌فروشی دنیا

«ال آتنئو» یک کتاب‌فروشی بسیار مجلل در بوینس آیرس است که سالانه بیش از یک میلیون بازدید کننده دارد و تا هفتصد هزار جلد کتاب فروش دارد. با این حال بسیاری هم به خاطر طراحی داخلی زیبای این ساختمان و مجسمه‌هایی که در آن موجود است، برای بازدید به این فروشگاه می‌آیند.

(عکس ۷)

عجیب‌ترین باغ وحش دنیا

باغ وحش «لوژان» در بوینس آیرس، جنجالی‌ترین و تنها باغ وحش دنیاست که بازدیدکنندگان می‌توانند وارد قفس حیوانات وحشی مانند شیر، ببر و پلنگ شده و با آن‌ها عکس سلفی بگیرند! با اینکه حیوانات همیشه سیر نگهداشته می‌شوند، اما این دلیل نمی‌شود که حادثه‌ای پیش نیاید. بنابراین با برگزاری کلاس توجیهی و رضایت‌نامه‌ای که از شما می‌گیرند، مسئولیت عواقب احتمالی را به عهده خودتان می‌گذارند!

(عکس ۸)

مار دل پلاتا؛ شهر رؤیایی گردشگران

شهری شگفت‌انگیز و دیدنی در آرژانتین که در ۴۰۰ کیلومتری جنوب بوئنوس آیرس واقع است. این شهر که زمانی به عنوان یکی از کانون‌های برگزاری مسابقات ورزشی و جشنواره‌های سینمایی شناخته می‌شد، اکنون به لطف زیرساخت‌های پیچیده گردشگری و برخورداری از تعداد زیادی هتل، رستوران، سالن تئاتر و دیگر جاذبه‌های دیدنی، در صدر لیست برترین نقطه توریست‌پذیر جهان ثبت شده است.

ساحل شنی این شهر که ۱۰ مایل طول دارد، مکان بسیار مناسبی برای گشت و گذار و لذت بردن از هوای پاک است. آب و هوای معتدل مار دل پلاتا، این شهر را به یک مکان گردشگری برتر در تمام فصول سال تبدیل کرده است.

(عکس ۹)

آبشارهای ایگوازو

پارک ملی ایگوازو که در سال ۱۹۳۴ ایجاد شد، یکی از شگفت‌انگیزترین و شکوهمندترین جاذبه‌های طبیعی و گردشگری آرژانتین و دنیا را در خود جای داده است. آبشارهای رود ایگوازو بدون شک چشم هر بیننده‌ای را می‌نوازند. این آبشارها بین دو کشور برزیل و آرژانتین قرار دارند و دور تا دورشان را جنگل‌های استوایی منطقه احاطه کرده است.

بازدیدکنندگان با استفاده از قطار جنگلی و پل‌های پیاده‌روی که در اطراف آبشارها قرار دارد، می‌توانند تمام مناطق مشرف بر این جلوه عظیم آفرینش را مشاهده کنند.

(عکس ۱۰)

پاتاگونیا؛ انتهای دنیا

منطقه‌ای در جنوب آرژانتین است که فوق العاده جادویی و زیباست. این منطقه متشکل از قله‌های کوهستانی، یخچال‌های طبیعی، دهکده‌های خوش منظره کنار آب، استپ‌های غنی و دریاچه‌های بلوری است که در کل دنیا منحصر به فرد هستند. زیبایی دست نخورده این منطقه از هزاران سال قدمت سخن می‌گوید و به شکل چندین پارک ملی از آن حفاظت می‌شود. یخچال عظیم «پريتو مورو» در این منطقه که سومین ذخیره بزرگ آب شیرین کره زمین است، یکی از بهترین جاذبه‌های طبیعی امریکای جنوبی محسوب می‌شود. از دیگر مناظر طبیعی این منطقه می‌توان به قله «فیتزروی»، یخچال اوپسالا، پارک ملی ناهوئل هواپی و منطقه حفاظت شده پنگوئن‌های «پونتا تومبو» اشاره کرد.

(عکس ۱۱)

دهکده‌های بهشتی

دو دهکده کوهستانی زیبا در «پاتاگونی» قرار دارد که بسیار رؤیایی و زیباست. یکی «سان مارتین دو لوس آندس» در ساحل دریاچه «لاکاربا»ست که با جنگل‌های وحشی و آبراه‌های متعدد محاصره شده است. دوستداران ورزش‌های آبی، اسب سواری و پرندنگری در این دهکده جادویی هرچه بخواهند، پیدا می‌کنند. دیگری هم «ویلا لا آنگوستورا»ست که در میان کوه‌های آند و دریاچه‌های بلوری واقع شده و یکی از بهترین گردشگاه‌های اسکی در کل امریکای جنوبی را داراست. این دهکده با رستوران‌ها و هتل‌های زیبایش بین گردشگران بسیار محبوب است. شهر «باریلوچه» نیز در دامنه‌های آند برای فضای شبیه به سوییس و مغازه‌های شکلاتش مشهور است و مناظر طبیعی زیبا و پیست اسکی و ورزش‌های آبی دارد.

(عکس ۱۲)

غار دست‌ها

یکی از ۹ اثر ثبت شده آرژانتین در میراث جهانی یونسکو و نمونه بی نظیری از هنر حفّاری غار توسط انسان‌های نخستین است که حدس زده می‌شود بین ۹۵۰۰ تا ۱۳۰۰۰ سال قبل کنده شده باشد. این غار نام خود را از نقوشی که بر دیواره‌های آن حکاکی شده، گرفته است.

(عکس ۱۳)

شبه جزیره والدز

زیستگاه طبیعی منحصر به فردی برای پستانداران دریایی است و از سال ۱۹۹۹ در میراث جهانی یونسکو ثبت شده است. در خطّ ساحلی شیر دریایی، خوکّ آبی و از ماه اکتبر تا مارس پنگوئن‌ها ساکن هستند. نهنگ را می‌توان در آب‌های بین شبه جزیره والدس و سرزمین اصلی پاتاگونین بین ماه می و دسامبر پیدا کرد.

(عکس ۱۴)

اوسوایا؛ جنوبی‌ترین شهر دنیا

زیبایی اوسوایا آن را به محبوب‌ترین مکان گردشگری در آرژانتین تبدیل کرده است. اوسوایا به عنوان جنوبی‌ترین شهر جهان و محلی برای دیدن کشتی‌های قطب جنوب، ورزش‌های زمستانی و مشاهده حیات وحش است. فانوس هم که به فانوس پایان دنیا معروف است، در این شهر قرار دارد. eclaireurs دریایی

(عکس ۱۵)

روتیتر: تحلیلی بر فیلم جاذبه، محصول امریکا، ۲۰۱۳

تیتر: می خواهیم زنده بمانم

کامران شمشیری

خلاصه داستان: یک مهندس پزشکی ناسا به نام رایان استون (با بازی ساندرا بولاک) در اولین سفر خود به خارج از جو کره زمین، با همراهی مت کوالسکی، فضانورد باتجربه (با بازی جرج کلونی)، دو نفر از اعضای یک تیم پنج نفره از فضانوردان امریکایی هستند که مأموریت آن‌ها تعمیر تلسکوپ هابل است. در حین یکی از راهپیمایی‌های فضایی، پیغام اضطراری مبنی بر انهدام یکی از ماهواره‌های جاسوسی روسیه و پراکنده شدن تکه‌های بدنه آن در فضا و برخورد آن‌ها با سایر ماهواره‌های موجود در جو زمین مخابره می‌شود. پیغام، دستوری مبنی بر دور شدن فضاپیما در اسرع وقت از آن محل است، ولی به دلیل سرعت بسیار زیاد ترکش‌های انفجار، زمان زیادی برای فرار از صحنه باقی نمی‌ماند و هجوم ترکش‌ها منجر به انهدام فضاپیمای امریکایی و کشته شدن سه فضانورد دیگر می‌شود. از این تیم تنها رایان استون و مت کوالسکی که زنده مانده‌اند، سعی می‌کنند به هر نحو ممکن جان خود را نجات دهند. این در حالی است که ذخیره اکسیژن لباس فضایی استون در حال تمام شدن است و...

فیلمی که این بار برای سینماسیر انتخاب کرده‌ام، داستانی متفاوت دارد؛ چه از لحاظ روایت، فیلم‌نامه و قصه‌گویی، چه کارگردانی و جلوه‌های ویژه و چه دلایل فرامتنی موجود در حواشی فیلم و نیز بطن روایت.

«جاذبه» در حقیقت یکی از واقع‌گرایانه‌ترین و متوازن‌ترین فیلم‌هایی است که در فضا اتفاق می‌افتد. داستان جاذبه یکی از آن روایت‌های ازلی و ابدی است درباره بقای هیجان‌انگیز و پر فراز و فرود نفس‌گیر و غافلگیری‌های میخکوب‌کننده. جاذبه یک فیلم علمی تخیلی به مفهوم مرسوم نیست. در این فیلم، آلفونسو کوآرون (کارگردان)، سراغ بیگانه‌های فضایی یا نبردهای مهیج نمی‌رود، بلکه فیلم سعی دارد تلاش یک زن و مرد برای مبارزه با خشن‌ترین شرایط ممکن را به نحوی ملموس و نزدیک به تصویر بکشد. هالیوود باهوش، با استفاده از پیچیده‌ترین و

پیشرفته‌ترین امکانات و تجهیزات سینمایی و با اتکا به قوهٔ تخیل نویسندگان و کارگردان کارآزموده‌ای همچون کوآرون، در حاشیهٔ داستان‌گویی یک خطی‌اش، که زن و مردی فشانورد سعی در نجات از بحران دارند، مخاطبان‌ش را به میهمانی کهکشان بی‌انتهای می‌برد. مانند یک توریست از همه‌جا بی‌خبر آن‌ها را با زیر و بم و جزئیات سفری چنین پرمخاطره و ابعادی این‌طور وسیع آشنا می‌کند. می‌توان گفت یک آماده‌سازی ذهنی برای علاقه‌مندان فضایی. سال‌ها قبل‌تر، زمزمهٔ سفر و اسکان بشر در سایر کرات مطرح شده بود و این‌بار هالیوود خیز بلندی برمی‌دارد تا پیش‌زمینه و بستری مستحکم‌تر را فراهم آورد.

در جای‌جای فیلم، کوآرون با استفاده از تلفیق ذهن و حقیقت بیرونی و نیز تضاد بین آرامش فضای خالی و حضور مسجّل تهدیدهای ناگهانی، تعلیق و هیجان ایجاد کرده است که بانی این تعلیق، تغییرات ریتم موسیقی متن از سازهای الکترونیک استیون پرایس (آهنگساز) به سکوت مطلق است. همچنین از نماهای خشن فیزیکی گرفته تا قاب‌های بستهٔ صورت استون که می‌توان بخار نفسش را درون ماسکش دید و با تناقض میان زیبایی زمین تا تاریکی اعماق فضای بی‌انتهای گرمای خورشید سرخ تا انجماد آن نیز مخاطب به تعلیقی گشوده می‌رسد. این پارادوکس‌ها محدوده‌ای حسّی و دراماتیک برای خطّ اصلی روایی ایجاد می‌کنند.

بسیاری از منتقدان، جاذبه را کنار فیلم‌هایی مثل Life Of Pi (زندگی پای) آنگ لی، و All Is Lost (همه چیز از دست رفته) از جی.سی. چندور قرار می‌دهند که همگی داستان مقاومت قهرمانانهٔ انسان برای زنده ماندن در شرایط دشوار را روایت می‌کنند. دو فیلم مذکور هر دو بی‌رحمی‌های اقیانوس را به تصویر می‌کشند و نه فضا. جالب این‌جاست که در جاذبه هم شخصیت‌ها درون لباس و ماسک‌های فضایی‌اند و به نوعی همان حسّ زیر آب بودن به مخاطب منتقل می‌شود، با این تفاوت که در فضا دید واضح‌تر و شفاف‌تری در دسترس است.

همین زاویه نگاه است که در این فیلم اهمیت دارد. دیدن فیلم برای بار اوّل تجربهٔ سینمایی منحصر به فردی را رقم می‌زند؛ زیرا فکر می‌کنید محلّ فیلم‌برداری واقعاً فضا بوده است و با توجه به مدّت زمان کوتاه فیلم، مخاطب وسوسه می‌شود که تماشای جاذبه را دوباره تجربه کند. فیلم‌برداری درخشان فیلم را امانوئل لوبزکی انجام داده که تاکنون همهٔ فیلم‌های کوآرون، به جز یکی از آن‌ها را فیلم‌برداری کرده است. بی‌تردید قاب‌بندی‌ها و نورپردازی‌های جاذبه یکی از نقاط قوّت این شاهکار سینمایی است.

جرج کلونی هم به زیبایی از پس یکی از دشوارترین نقش‌هایش برآمده و توانسته آن مرد همه‌چیز تمامی باشد که هر انسانی آرزو می‌کند در تنگنا و شرایط سخت همیشه کنارش باشد. و همین‌طور ساندرا بولاک با آن واکنش‌های مثال‌زدنی و نیز انتقال اضطراب‌ها و حساسیت‌ها و ریزه‌کاری‌های نقشش، سهم به‌سزایی در موفقیت و ماندگاری جاذبه ایفا کرده است.

از منظر کارگردانی، شروع تماشایی و بدون قطع فیلم، بیست دقیقه نفس‌گیر با آتکا به تکنیک سه بعدی، از گام‌های بزرگ کوارون در کارنامه حرفه‌ای‌اش است. شاید اگر قرار بود ساخت جاذبه، دو بعدی باشد، یقیناً این فیلم در نمایش جزئیات تنش‌ها و موقعیت‌های فضایی تا این اندازه موفق نبود. هر چند که امکان تماشای سه‌بعدی این‌گونه فیلم‌ها برای مخاطب ایرانی عملاً غیرممکن است، اما حتی تصوّرش هم می‌تواند تجربه‌ای لذت‌بخش باشد.

داستان فیلم که توسط کوارون و پسرش، جونس نوشته شده، ساده و سراسر است: چگونه این دو عضو بازمانده از شاتل فضایی معیوب می‌توانند پیش از اتمام اکسیژن راهی برای بازگشت به زمین پیدا کنند؟ جاذبه یکی از آثار بود که آلفونسو کوارون سال‌ها ایده ساخت آن را در ذهن داشت، اما بنا به گفته خودش، به جهت اینکه قدرت تکنولوژی در زمان شکل گرفتن این ایده در ذهنش به اندازه کافی نبود، از ساختن این فیلم منصرف شده بود تا سال ۲۰۰۹ که جیمز کامرون با فیلم آواتار، انقلابی در جلوه‌های ویژه کامپیوتری برپا کرد. آواتار و تکنیک‌های جدید جلوه‌های ویژه و مخصوصاً بخش سه بعدی آن، کوارون را مجاب کرد که تکنولوژی مورد نظرش برای ساخت جاذبه آماده است و می‌تواند ایده‌ای را که سال‌ها در پی ساختن فیلم بر اساس آن بوده، عملی کند. اهمیت جلوه‌های ویژه جاذبه از دو منظر قابل بررسی هستند؛ اول، هیجان‌بخشی که البته چیزی است که در سایر فیلم‌های حادثه‌ای هم می‌شود مشابه‌اش را دید. دوم، ایجاد یک حس روحانی؛ یک حس جدایی و تک‌افتادگی. در حین دیدن فیلم، این حس ناخودآگاه به مخاطب هم القا می‌شود و دقیقاً همین جاست که هالیوود به هدفش رسیده است و باز هم پیام سیاسی اجتماعی‌اش را به سراسر جهان مخابره کرده است!

جاذبه در مراسم اسکار ۲۰۱۴ موفق به دریافت هفت جایزه در رشته‌های بهترین تدوین، بهترین تدوین صدا، بهترین موسیقی متن، بهترین فیلم‌برداری، بهترین جلوه‌های ویژه، بهترین میکس صدا و بهترین کارگردانی شد.

اسم صفحه: گزارش یک جشن

روتیتر: طولانی ترین شب سال در کوتاه ترین فاصله تا حرم مطهر، در هتل قصر الماس

تیتر: ما ۵۰۰ ستاره هستیم!

فخری دهرآزما

ساعت ۲۰؛ زمان اعلام شده برای آغاز ویژه برنامه شب یلدا در هتل قصر الماس بود. با محاسبه تأخیرهای معمول در آغاز برنامه‌ها، ساعت ۲۰ و ۲۰ دقیقه به خیال اینکه جزء اولین نفرات هستیم، وارد هتل شدیم که دیدن جمعیت انبوه در سه طبقه و میزهای پر شده خیالاتمان را بر هم زد. با پرسشی کوتاه متوجه شدیم که مهمانان از ساعت ۷ در هتل حاضر شده‌اند و این امر گرچه در ابتدا میزبانان را غافلگیر کرد، اما در ادامه با ارائه سرویس و بوفه شامی بی نظیر، این مهمانان بودند که از این همه مهمان‌نوازی غافلگیر شدند.

سوپ، سالاد ماکارونی، سالاد کلم، سالاد فصل و چندین نوع سالاد دیگر تنها غذاهای تدارک دیده شده به عنوان پیش غذا بودند. از کباب لقمه، ماهی، پاچین، قرمه سبزی، کوفته، باقالی پلو با گوشت، شیرین پلو، شنسل مرغ با چیپس و چندین غذای دیگر هم می‌توان به عنوان غذاهای اصلی نام برد. برای دسر نیز انواع ژله و کارامل با طرح‌های هوس انگیز روی میز خودنمایی می‌کرد.

شام، بخش آغازین ویژه برنامه‌های شب یلدا در هتل قصر بود؛ برنامه‌ای که به علت تنوع بالای غذاها و استقبال مهمانان سه ساعت به طول انجامید و بی‌شک اگر مجری پشت تریبون قرار نمی‌گرفت و آغاز رسمی برنامه‌ها را اعلام نمی‌کرد، کشش ادامه تا ساعت ۲ بامداد را هم داشت.

اما هدف از این شب‌نشینی در بلندترین شب سال تنها صرف شام نبود؛ به همین خاطر مجری بعد از خوش‌آمدگویی به مهمانان آغاز رسمی برنامه‌ها را با تلاوت کلام... مجید اعلام کرد. قرآن با صوت زیبای قاسمی، کودک ده ساله، قرائت شد. پس از آن مهمانان برای عرض سلام و ارادات به آستان مبارک امام رضا (ع)، از فاصله ۵۰ متری بارگاه

ایشان قیام کردند و صلوات خاصه امام رضا(ع) را خواندند. سر دادن سرود ملی ایران در این شب جشن ملی، بخش دیگری بود که با قیام مهمانان همراه شد.

پس از آن مدیر داخلی هتل قصر پشت میکروفن رفت و ضمن خوش آمدگویی به حضار، از دکتر سزاوار، مدیر هتل قصر و آقای قاسمی، مدیر رستوران‌های هتل قصر تشکر کرد. موسوی، یلدا را تمرینی برای دور هم نشینی خواند و صحبت‌هایش را با این جمله به پایان برد: «در جمع‌های مختلف، از ما می‌پرسند شما چند ستاره هستید؟ امشب با حضور ۵۰۰ ستاره نورانی در جمعمان متوجه شدیم ما ۵۰۰ ستاره هستیم».

مشهدی‌ها جنبه بالایشان را به رخ کشیدند

در ادامه دو مجری مشهدی و قوچانی، با اجرای مسابقاتی مجزا برای بانوان، آقایان و کودکان لحظات شادی را برای حاضران رقم زدند. شرکت کنندگان هم که آمده بودند این شب را تبدیل به خاطره کنند، در این بخش با مجری‌ها همراه شدند و مسابقه‌ها را تبدیل به یکی از جذاب‌ترین بخش‌های ویژه برنامه شب یلدا کردند. آن‌ها که در سه طبقه مجزا و هر یک گرد میزی نشسته بودند، به صورت زنده یا از طریق ویدئوپروژکتور شاهد برنامه‌ها بودند و هر جا لازم بود با تشویق یا شرکت در مسابقه جشن را گرم می‌کردند. برنامه‌ها در طبقه میانی اجرا می‌شد و مهمانان طبقه بالا و پایین از طریق ویدئوپروژکتور برنامه‌ها را دنبال می‌کردند؛ البته گاه مجری‌ها هم گشتی در طبقات مختلف می‌زدند.

یکی از نکات قابل توجه در شب‌نشینی یلدا در هتل قصر، جنبه بالای مشهدی‌ها بود؛ آن‌ها که هفتاد درصد مهمانان را تشکیل می‌دادند، هنگام تعریف لطیفه‌های مشهدی با خنده، مجری‌ها را همراهی می‌کردند و با این کار جنبه بالای خود را به رخ کشیدند.

یلدا تمام شد، اما خاطره آن ماندگار شد

حافظ‌خوانی که جایگاهی ویژه در یلدای ایرانی دارد، بخشی از ویژه برنامه یلدا در هتل قصر الماس را هم به خود اختصاص داد. در این بخش حاضران به غزلی از حافظ تفأل زدند و برای چند لحظه فضای خاصی بر جمع حکم فرما شد. بخش انتهایی برنامه‌ها به نمایشنامه‌خوانی توسط شش تن از برترین بازیگران تئاتر مشهد اختصاص داشت؛ ماجرای فرار سه سرباز از پادگان با درون مایه‌ای طنز، سوژه نمایش بازیگران بود.

با قرار گرفتن عقربه‌های ساعت بر ۱۲، شب یلدا در هتل قصر به پایان رسید، اما خاطره آن بی‌شک تا مدت‌ها در ذهن مهمانان باقی خواهد ماند.

منوی ایرانی‌پسند در شب جشن ملی

سرآشپز هتل قصر با وجود خستگی چند روزه برای تهیه غذای این جشن و همچنین دوری از خانواده در شب یلدا لبخند را از لبانش دور نمی‌کرد. محمود بلوکی با لبخندی همیشگی و چهره‌ای بشاش به تقاضای عکس و سؤالات گوناگون مهمانان درباره غذا پاسخ مثبت می‌داد. ما هم در این شب گفتگویی کوتاه با وی انجام دادیم.

- تدارک برای چنین جشن مفصلی به چقدر زمان احتیاج داشت؟

تقریباً سه روز است که تمامی همکاران ما در کنار کارهای روزمره و تهیه ناهار و شام مشغول تدارکات اولیه برای جشن هستند تا بتوانیم رضایت مهمانان را جلب کنیم.

- یعنی غذاهای امشب را از روزهای قبل تهیه کردید؟

خیر. غذاها به روزند؛ حتی کباب‌ها از صبح آماده شده است. کارهای روزهای قبل تنها مقدمات امشب بود، و گرنه کارهای اصلی امروز انجام شد.

- چند کباب برای امشب تهیه شده است؟

تقریباً ۹۰۰ سیخ کباب.

- سایر غذاها به چه میزان بوده است؟

برنج تقریباً ۱۰۰ کیلو بود شامل باقالی پلو با گوشت و شیرین پلو؛ ماهی حدود ۳۰ کیلو؛ شنیسل مرغ هم ۳۰ کیلو و گوشت ۸۰ کیلو.

- با این همه موادّ غذایی به طور تقریبی می‌توانید بگویید هزینه غذای هر نفر چقدر بود؟

من اگر بخواهم قیمت بدهم، می‌گویم نفری ۲۰۰ هزار تومان!

- غذاها توسط کدام یک از رستوران‌های هتل تهیه شده است؟

کلیه غذاها در آشپزخانه مرکزی تهیه شده است.

- خودتان کدام یک از غذاهای امشب را ترجیح می‌دهید؟

راستش من که هنوز فرصت شام خوردن پیدا نکرده‌ام، اما در کل غذای مورد علاقه‌ام باقالی پلو با گوشت است.

- با مردم صحبت می‌کردید، نظرشان راجع به غذاها چه بود؟

خیلی راضی بودند و می‌گفتند امشب برایمان خاطره شد.

- انتخاب منوی غذاهای امشب به عهده خودتان بود؟

بله.

- غذاها بر چه اساسی انتخاب شده بود؟

برای این شب جشن ملی ترجیح دادیم از غذاهای ایرانی‌پسند استفاده کنیم.

- کسی ایرادی نگرفت؟ مثلاً بگویید فلان غذایتان شور است، یا نپخته و...؟

اصلاً. همه راضی و خوشحال بودند و حتی می‌آمدند با ما عکس می‌گرفتند.

- مزه شنسیل مرغتان خیلی متفاوت بود. می‌توانید راز خوشمزگی‌اش را بگویید؟

در شنسیل مرغ به جای آرد سوخاری از چیپس استفاده کردیم که ابتکار خودم بود.

- برای امشب استرس داشتید؟ دعوایی در طول کار پیش نیامد؟

دعوا که اصلاً؛ چون کارها مشخص است و همه چیز طبق روال انجام می‌شود. ولی کمی استرس داشتم؛ چون برای امشب از سوی چند مدیر سفارش شده بود و وقتی سفارش‌ها زیاد می‌شود، استرس ما هم بالا می‌رود.

– خانواده‌تان امشب در هتل قصر حضور ندارند؟

خیر؛ من دعوتشان کردم، اما چون همه فامیل خانه پدر بزرگشان جمع بودند، آن‌ها هم رفتند آن‌جا.

– شما ناراحت نیستید از اینکه امشب در جمعشان حضور ندارید؟

البته دوست داشتم در کنارشان باشم، ولی ما تعهداتی هم نسبت به کارمان داریم و جدای از این‌ها، هتل قصر و مهمانانش خانواده دوم ما شده‌اند. همین که امشب ۵۰۰ ستاره کنارمان بودند، راضی‌مان می‌کند.

قصد داریم ۲۲ بهمن هم جشن بگیریم

مدیر رستوران‌های هتل قصر الماس پس از تجربه شیرین شب یلدا، از برگزاری جشن ۲۲ بهمن خبر می‌دهد. قاسمی می‌گوید: «ما با ۲۵ سال سابقه در این هتل از لحاظ پذیرایی حرفه‌ای شده‌ایم و نگذاشته‌ایم کسی از در هتل ناراضی بیرون برود. امشب نیز تمام تلاشمان را به کار بستیم تا از لحاظ سرویس‌دهی مشکلی نداشته باشیم و با پذیرایی خوب کاری کنیم که مهمانان باز هم به هتل ما بازگردند. بسیاری از آنان هنگام رفتن تشکر می‌کردند و می‌خواستند باز هم چنین جشنی را برگزار کنیم. با برنامه امشب استرسمان در برگزاری مراسم‌های ویژه برطرف شد و از این پس شاهد مجالس باشکوه‌تری در هتل قصر خواهید بود. اگر خدا بخواهد، قصد داریم برای ۲۲ بهمن نیز برنامه مشابهی را برگزار کنیم».

قاسمی خدمت به زائران را از افتخارات هتل قصر خواند و افزود: «در جوار حضرت رضا (ع)، کار ما همیشه خدمت به زائران است، ولی امشب توانستیم به همشهری‌ها و مجاوران هم خدمت کنیم و از این حیث از خودمان راضی هستیم. از کادر خودم هم تشکر می‌کنم که مواردی را که گفته بودم، به نحو احسن اجرا کردند».

مدیر رستوران‌های هتل قصر با برشمردن اقدامات انجام شده برای برپایی چنین جشنی گفت: «از یک هفته قبل کسری ظروف را بررسی و تأمین کردیم، خرید مواد غذایی بخش اعظم کار بود و مهم‌تر از آن چیدمان میزها به نحوی که فضای کافی در اختیار ۵۰۰ نفر قرار گیرد. در بحث غذا پیش‌بینی ما حدود ده درصد بیشتر از تعداد مهمانان بود و به همین خاطر نگرانی از کم بودن غذا نداشتیم؛ البته برای غذای بیشتر هم برنامه‌ریزی کرده بودیم. اگر دقت کرده باشید، بوفه اول شب با آخر شب هیچ فرقی نداشت. هر ظرفی خالی می‌شد، بچه‌ها به سرعت پر می‌کردند. در سایر مجالس هم همین طور است. صاحب مجلس اول شب غذا را می‌بیند و آخر هم دوباره همه را چک می‌کند. اما در بحث جا و چیدمان کمی نگران بودیم که نکند مهمانان دو نفره سر میز ۶ نفره بنشینند و جا کم بیاید. خدا را شکر از این لحاظ هم مشکلی نداشتیم».

قاسمی که در یک هفته اخیر چند ساعت بیشتر استراحت نکرده، با شیرین خواندن تجربه جشن یلدا گفت: «من در یک هفته اخیر به خاطر استرسی که داشتم، بیشتر از دو ساعت در شبانه‌روز نمی‌خواهیدم. استرس نه از این بابت که مجلس سخت و سنگین باشد، چرا که مجلس‌های بزرگ‌تر از این را هم برگزار کرده بودیم، اما در تمامی آن مجالس صاحب مجلس مشخص بود و ما با یک نفر بیشتر در ارتباط نبودیم. این بار تجربه جدیدی برایمان بود؛ چرا که با ۵۰۰ نفر در ارتباط بودیم و از آن مهم‌تر مهمانان را نمی‌شناختیم. افراد مختلف تماس گرفته و برای حضور در این جشن بلیط تهیه کرده بودند که ما هیچ شناختی روی آنان نداشتیم. اگر خدای ناکرده کوچک‌ترین مشکلی پیش می‌آمد، احتمال داشت کل سالن به هم بریزد. امشب بعد از پایان جشن یک نفر هم نبود که تشکر نکند و همین باعث افتخار ماست و خستگی یک هفته‌ای را از تنمان بیرون کرد».

سه ماه برنامه‌ریزی برای یک شب

حدود ۳ ماه است که بخش تشریفات هتل قصر مشغول برنامه‌ریزی برای برگزاری جشنی با شکوه در شب یلداست. مینا حاجی‌زاده با پایان یافتن این شب خاطره‌انگیز از سختی‌هایی که در برنامه‌ریزی برای جشن، پیش رویشان بود، سخن گفت.

– تعداد مهمانان حاضر در جشن چند نفر بودند؟

۵۰۰ نفر.

- چگونه می‌شود در جشن یلدای هتل قصر شرکت کرد؟

از یک سری افراد برای حضور در جشن دعوت شده بود. تعدادی نیز به واسطه تبلیغات در شبکه‌های اجتماعی و روزنامه‌ها بلیط تهیه کرده بودند.

- چند وقت است که مشغول برنامه‌ریزی برای شب یلدا هستید؟

تقریباً از مهرماه برای اجرای این جشن آماده باش داشتیم، ولی عملاً از سه روز پیش وارد فاز اجرا شدیم.

- چه کارهایی برای برگزاری چنین جشنی انجام شد؟

هماهنگی صدا، سفره‌آرایی، گل‌آرایی، طراحی، اطلاع‌رسانی، گرفتن مجوزها و ...

- چند نفر از پرسنل برای تدارک جشن مشغول بودند؟

همه پرسنل هتل؛ از مدیران بخش‌های مختلف گرفته تا حتی تاکسی‌سرویس که تراکت‌ها را توزیع کرد، دست به دست هم دادند تا مجموعه به نتیجه دلخواه دست یابد.

- امشب چند نفر مشغول خدمت رسانی بودند؟

حدود ۱۰۰ نفر از بخش‌های ستادی که با مهمانان در ارتباط هستند، مانند رستوران، خانه‌داری، آشپزخانه، کافی‌شاپ، گل‌آرایی و روابط عمومی.

- چه محدودیت‌هایی در اجرای برنامه پیش رویتان بود؟

مشهد شهری مذهبی است و با یک سری محدودیت‌هایی روبروست که ما هم به آن احترام می‌گذاریم.

- چند درصد مهمانان مشهدی و چند درصد غیر مشهدی بودند؟

تقریباً می‌توانم بگویم که ۷۰ درصد مشهدی بودند و ۳۰ درصد از شهرهای دیگر.

- خانواده خودتان هم امشب حضور داشتند؟

نه متأسفانه.

– ناراحت نیستید از اینکه این شب را کنار خانواده نبودید؟

امسال اولین یلدایی بود که در کنار خانواده نبودم، ولی من امشب را کنار خانواده دوم سپری کردم.

– میران رضایتان از برنامه امشب چقدر است؟

۸۰ درصد رضایت دارم.

یک شب خاطره انگیز

خانواده‌های دو، سه و حتی ده نفره سر میزهای مختلف نشسته بودند و هر کدام با سلیقه خودشان از بساطی که پهن بود، شب چهره‌ای برداشته و میزشان را تزئین کرده بودند. برخی غرق صحبت بودند و از خاطراتشان می‌گفتند؛ عده‌ای هم با برنامه‌های تدارک دیده شده، همراه می‌شدند. وارد جمعشان شدیم و چند دقیقه‌ای را کنارشان نشستیم تا از تجربه متفاوت یلدا در هتل قصر از ایشان پرسیم.

فضاآرایی و شام بخش قابل توجه از نگاه شاه‌ولایتی، مدیر اجرایی اتحادیه هتل‌ها بود. او که با دوستانش، خانم‌ها علیخانی و شاهسون سر یک میز نشسته بود، گفت: «فضاآرایی و شام خیلی خوب بود، اما از هتل قصر انتظار داشتیم برنامه‌های بهتری اجرا کنند. شب یلدا می‌توانست سنتی‌تر از این برگزار شود». او که دور از خانواده در مشهد زندگی می‌کند، درباره یلدای امسال گفت: «امشب در کنار دوستانم شب خوب و خاطره‌انگیزی را سپری کردم».

ندا سیستانی، علی رضایی و سارا رضایی از دیگر مهمانان حاضر در جشن بودند که امشب را در کنار خانواده ۶ نفره‌شان سپری کردند. سارا رضایی که در مسابقه نیز شرکت کرده بود و جزء برندگان بود، گفت: «برنامه‌ها خیلی خوب شروع شد. مسابقه واقعاً لذت بخش بود؛ البته اگر جایزه‌مان را بدهند، شیرین‌تر هم می‌شود، ولی نمایشنامه‌خوانی قدری از حوصله حاضران طولانی‌تر شد». ندا سیستانی به نمایندگی از این خانواده قوچانی ساکن در مشهد ادامه داد: «موسیقی زنده تنها کمبود برنامه‌های امشب بود، به جز آن، همه چیز عالی بود، به خصوص شام». او با تعریف خاطره‌ای از یلدای سال‌های پیش گفت: «خواهرم تازه ازدواج کرده بود. برای شب یلدا تدارک دیدیم و

خانواده همسرش را دعوت کردیم، اما بعد از دعوت متوجه شدیم رفته‌اند مسافرت! بعد خودمان تمام آنچه را تدارک دیده بودیم، خوردیم و کنار هم خوش گذرانیدیم. حالا هر سال، شب یلدا یاد آن سال می‌کنیم که چقدر برای خودمان تدارک دیدیم».

حسام علی‌پور، سوفیا سرابی و پسر کوچکشان سر میزی سه نفره نشسته بودند و با برنامه‌های یلدا همراه شده بودند. سوفیا سرابی یلدای امسال را یکی از بهترین یلداهایش خواند و گفت: «با توجه به اینکه ما دیر ازدواج کردیم و بعد از عقد خیلی زود رفتیم خانه خودمان، مراسم شب یلدای ویژه‌ای نداشتیم. برنامه امشب برای ما خاطره خوبی شد».

حاشیه نگاری

عکس ۱- پذیرایی از همان ورودی هتل قصر شروع می‌شد، اما افرادی که می‌دانستند داخل چه خبر است، وقت و معده خود را در ورودی صرف نمی‌کردند!

عکس ۲- دیزاین سفره شب یلدا که جلوی در ورودی سالن پهن شده بود، تمام وقت دلبری می‌کرد و به کسانی که نمی‌توانستند وارد سالن شوند، زبان درازی!

عکس ۳- غذاها آنقدر متنوع و خوشمزه بودند که آدم هر لحظه می‌ترسید مبادا تمام شوند! به همین خاطر با استرس در ظرف‌ها باز می‌شد! اما خوشبختانه در طول شب حتی یک بار هم کسی از ظرف خالی سورپرایز نشد!

عکس ۴- این هم قسمتی از پشت صحنه؛ بی‌شک اگر تلاش این عزیزان نبود، بشقاب‌هایی که پر و سپس خالی شده بودند، روی میزها جا نمی‌شدند!

عکس ۵- بازار عکس گرفتن با تزئینات و گل‌آرایی‌ها چنان داغ شده بود که سرانجام دکتر سزاوار هم به جمع مشتاقان پیوست!

عکس ۶- بالا و پایین پریدن، مسابقه‌ای بود که برای بچه‌ها در نظر گرفته شده بود. این هم قیافه بچه‌ها بعد از اجرای مسابقه!

عکس ۷- خدا را شکر حافظ هم در این شب همراهی کرد و یکی از آسان‌ترین غزل‌هایش را رو کرد تا مبادا هنگام خواندن مشکلی پیش بیاید! فاش می‌گویم و از گفته خود دلشادم/ بنده عشقم و از هر دو جهان آزادم

عکس ۸- هنگام تفال زدن به حافظ، مجری از همه حاضران خواست چند دقیقه‌ای چشمان خود را ببندند و با گوش جان فالشان را بشنوند. اما مگر می‌شد برای لحظه‌ای هم چشم بست؟!